پژوهش دینی

شمارهٔ ۵۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
صص ۲۳-۴۸ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini

No. 50, Autumn &Winter 2024/ 2025

اسماء الهی در خواتیم آیات سوره حدید: تحلیل ارتباط معنایی با محتوا و مضامین محوری

محمدرضا واعظی‌راد[۱]، ابوالفضل خوش‌منش[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹)

چکیده

این پژوهش در پی تبیین کارکرد معنایی اسماء الهی در پایان آیات سوره حدید و نقش آن‌ها در تکمیل پیام آیه و تقویت مضامین محوری سوره (ایمان، انفاق، جهاد) است. با استفاده از رویکرد توصیفی - تحلیلی و روش تحلیل محتوا، پس از ریشه‌یابی لغوی اسماء، ارتباط هر اسم با مضمون آیه و ساختار کلی سوره با استناد به تفاسیر معتبر تحلیل گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد چینش اسماء در سوره هدفمند و دارای سیری تربیتی است؛ به طوری‌که اسمائی چون «العزیز الحکیم» و «قدیر» پایه‌های معرفتی توحید را تثبیت می‌کنند، صفاتی مانند «بصیر» و «علیم بذات الصدور» با تأکید بر نظارت مطلق الهی، کارکردی تربیتی و انذاری دارند و اسماء دیگری نظیر «غنی حمید»، «قوی عزیز» و «رؤوف رحیم» به ترتیب با تبیین بی‌نیازی، قدرت و رأفت خداوند، انگیزه‌های لازم برای انفاق، جهاد و امید را در مؤمنان برمی‌انگیزند. در نهایت، این تحلیل نشان می‌دهد که این اسماء صرفاً مکمل آیه نیستند، بلکه ابزارهای بیانی و تربیتی قدرتمندی برای تحقق اهداف سوره محسوب می‌شوند که فهم مخاطب از ابعاد توحیدی، اخلاقی و عملی سوره را تسهیل و تعمیق بخشیده و وجهی از اعجاز بیانی قرآن را آشکار می‌سازند.

کلید واژه‌ها: اسماء الهی، سوره حدید، خواتیم آیات، ارتباط معنایی، انسجام معنایی.

۱. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران. تهران، ایران. (نویسنده مسئول)؛ moreza.vaezi@ut.ac.ir

۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران. تهران، ایران؛ khoshmanesh@ut.ac.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۱. بیان مساله

یکی از وجوه برجسته اعجاز قرآن کریم، گزینش و چینش هدفمند واژگان آن است، به گونه‌ای که اگر یک واژه یا جمله‌ای جابه‌جا شود، ظرافت لفظی و معنوی قرآن از بین خواهد رفت (بنت‌الشاطئ، ۱۲۳؛ مؤدب، ۱۴۶-۱۴۷؛ علوی‌مهر، ۲۳۲). این حکمت در خواتیم آیات (عبارات پایانی آیات) به اوج خود می‌رسد؛ جایی که پایان هر آیه در پیوندی تنگاتنگ با محتوای آن، بخشی از معنای مورد نظر الهی را آشکار می‌سازد. اهمیت این پیوند تا بدانجاست که اگر امکان تغییر در عبارات پایانی آیات وجود داشت، این امر موجب اخلال در ساختار معجزه‌آسای قرآن می‌شد (ابوشبهه، ۱۹۹).

در میان انواع خواتیم، آیاتی که با اسماء الهی پایان می‌یابند، جایگاهی ویژه دارند. تناسب دقیق و حساب‌شده میان این نام‌های الهی و مضمون آیه، از ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن است (حیدری، ۱۴۶/۳). چنان‌که علامه طباطبایی تأکید می‌کند، قرآن تنها کتاب آسمانی است که از اسماء الهی همچون ابزاری برای تبیین اهداف و مضامین خود بهره می‌گیرد (طباطبایی، المیزان، ۳۵۳/۸).

سوره مبارکه حدید از جمله سوره‌هایی است که در خواتیم بسیاری از آیات آن، اسماء الهی به کار رفته است. این سوره، دارای ساختاری منسجم است که حول محور دعوت به ایمان حقیقی و لوازم عملی آن شکل گرفته است؛ این دعوت با تکیه بر معرفی جامع عظمت، قدرت، علم و حکمت الهی آغاز می‌شود و در ادامه به تبیین جایگاه مؤمنان واقعی در مقابل منافقان و کافران می‌پردازد؛ تفاوت این دو گروه را در موضوعاتی کلیدی مانند انفاق و جهاد در راه خدا، نگرش به حقیقت دنیا و آخرت، و جایگاه نور الهی در حیات انسان آشکار می‌سازد (ابن‌عاشور، ۳۲۲/۲۷-۳۲۳). اسماء الهی که در پایان آیات این سوره آمده‌اند، با عنایت به توقیفی بودن چینش کلمات در آیات (زرکشی، ۳۵۳/۱؛ سیوطی، ۲۱۳/۱؛ معرفت، ۲۷۱/۱)، در پیوند با این مضامین و در راستای پیشبرد غرض

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

کلی سوره قرار دارند. اما کشف و تبیین دقیق مناسبت و حکمت قرار گرفتن ترکیبات خاص این اسماء الهی در خواتیم آیات مشخصی از سوره حدید، با توجه به محتوای آیات، مضامین محوری سوره و فضای کلی حاکم بر آن، نیازمند تحلیلی عمیق‌تر از صرف بیان ارتباط ظاهری است. از این‌رو، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش‌های اساسی است:

۱. ترکیب خاص اسماء الهی در پایان هر آیه از سوره حدید چه ارتباط معنایی دقیقی با محتوای همان آیه دارد؟

۲. هریک از این اسماء چگونه به تقویت و تعمیق مضامین محوری سوره (ایمان، انفاق، جهاد) کمک می‌کنند؟

۳. آیا می‌توان یک سیر منطقی و تربیتی در چینش این اسماء از ابتدا تا انتهای سوره، همسو با اهداف کلی آن، شناسایی کرد؟

بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، ارائه تحلیلی عمیق و ریشه‌یابی پیوند معنایی و کارکرد اسماء الهی در خواتیم آیات سوره حدید است تا از این رهگذر، لایه‌هایی از حکمت و اعجاز بیانی قرآن کریم در چینش اسماء الهی در پایان آیات این سوره آشکار گردد.

۲. مقدمه

قرآن کریم، به عنوان معجزه‌ای ماندگار، از بالاترین درجات فصاحت و بلاغت برخوردار است (خطّابی، ۳۸/۱ و ۴۴؛ باقلانی، ۳۵؛ رافعی، ۱۵۶/۱). این کتاب الهی واجد حکمت و معنایی عمیق است که همواره امکان کشف ابعاد تازه‌ای از آن برای مخاطبان وجود دارد؛ چنان‌که پیامبر اکرم(ص) تصریح فرموده‌اند: «انّ للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطن (بطناً) الی سبعة أبطن» (فیض کاشانی، ۳۱/۱). از این‌رو، پژوهش در لایه‌های معنایی و ظرایف بیانی آن، یک ضرورت علمی دائمی برای درک بهتر پیام الهی است. بررسی تحلیلی پیوند معنایی اسماء الهی با محتوای آیات در سوره‌ای خاص مانند سوره حدید، از آن جهت اهمیت دارد که نه تنها به فهم عمیق‌تر مضامین آن سوره کمک می‌کند، بلکه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

لایه‌هایی از حکمت و اعجاز بیانی قرآن در چینش هدفمند کلمات را آشکار می‌سازد و به مخاطب در درک بهتر پیام تربیتی و معرفتی قرآن یاری می‌رساند.

۲- ۱. پیشینه تحقیق و نوآوری

در زمینه شرح و تبیین اسماء و صفات الهی، آثار ارزشمندی از دیرباز نگاشته شده است؛ از جمله نخستین شروح مستقل می‌توان به تفسیر اسماء الله الحسنی اثر ابو اسحاق الزجاج (م ۳۱۱ق) و پس از آن الاسماء و الصفات اثر بیهقی سبزواری (م ۴۵۸ق) اشاره کرد. در ادامه، آثاری همچون المقصد الأسنی فی شرح معانی اسماء الله الحسنی اثر غزالی (م ۵۰۵ق) و یکی از مهمترین شروح، یعنی لوامع البینات شرح أسماء الله تعالی و الصفات اثر فخرالدین رازی (م ۶۰۶ ق) به تبیین این اسماء پرداخته‌اند. علاوه بر این شروح مستقل، در برخی تفاسیر قرآن کریم نیز به مناسبت آیات، به اسماء الهی و اجمالاً ارتباط آن‌ها با محتوا پرداخته شده است که از آن جمله می‌توان به روح المعانی اثر آلوسی (م ۱۲۷۰ق)، فی ظلال القرآن اثر سید قطب (م ۱۹۶۶م) و المیزان اثر علامه طباطبایی (م ۱۳۶۰ش) اشاره کرد. در سال‌های اخیر نیز پژوهش‌هایی در قالب پایان‌نامه و مقاله به صورت تخصصی‌تر به بررسی ارتباط اسماء و صفات الهی در پایان آیات با محتوای آن‌ها پرداخته‌اند؛ آثاری مانند پایان‌نامه‌های «واکاوی معانی آخر آیات قرآن با تاکید بر اسماء و صفات حق تعالی» (سمیه درزی‌نیا، ۱۳۹۷) و «ارتباط اسماء و صفات الهی در پایان آیات با محتوای آیات در سوره‌های (لقمان، سبا، فاطر و فتح)» (نسیم نوروزی‌فرد، ۱۳۹۸) و مقالاتی نظیر «پیوند معنایی صفات الهی پایان آیات قرآن با مضمون آن‌ها» (معصومه مرزبان، ۱۳۹۲) و «بررسی تفسیری رابطه اسماء الهی در پایان آیات سوره انفال با محتوای آن» (سید عبدالرسول حسینی‌زاده، ۱۳۹۷)، نمونه‌ای از این تلاش‌ها هستند. با این حال، نوآوری پژوهش حاضر در بررسی دقیق و تحلیلی ارتباط اسماء الهی مذکور در خواتیم آیات با محتوا و مضامین محوری سوره مبارکه حدید است که ابعاد عمیق‌تری از انسجام معنایی و حکمت الهی در این سوره را آشکار می‌سازد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۲-۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر، توصیفی- تحلیلی است و با روش تحلیل محتوایی به بررسی مناسبت اسماء و اوصاف الهی در خاتمه آیات سوره حدید می‌پردازد. ابتدا آیات هدف شناسایی و اسماء الهی موجود در خاتمه آن‌ها از نظر لغوی و معنایی تحلیل می‌شوند. سپس ارتباط این اوصاف با محتوای آیات و مضامین محوری سوره و همچنین دیدگاه‌های تفسیری مرتبط مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مواردی که اسماء عیناً تکرار شده‌اند، تحلیل معنای لغوی فقط یک بار انجام شده است.

۲-۳. توضیح اصطلاحات: اسماء و صفات الهی

در تبیین مفهوم «اسم»، برخی ریشه آن را «سموّ» (رفعت) دانسته و اسم را وسیله‌ای برای شناساندن «مسمی» می‌دانند (راغب اصفهانی، ۴۲۸/۱)، بعضی آن را از «وسم» (علامت) مشتق می‌دانند، زیرا هر اسمی نشانه‌ای برای صاحب آن است (قرشی، ۳۲۸/۳). واژه «صفت» نیز که از «وصف» گرفته شده، به حالت یا ویژگی آشکارکننده یک شیء اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۸۷۳/۱؛ ابن‌منظور، ۳۵۶/۹). با این حال، علامه طباطبایی بیان می‌کند که در مورد خداوند، تفاوت ماهوی میان اسم و صفت وجود ندارد، زیرا هر دو به یک حقیقت از ذات الهی اشاره دارند. تفاوت این دو تنها در شیوه دلالت است: «صفت» بر معنایی دلالت می‌کند که ذات به آن متصف شده (مانند «حیات»)، اما «اسم» بر خودِ ذاتِ متصف به آن صفت دلالت دارد (مانند «حیّ»). از آنجا که حقیقت هر دو یکی است، می‌توانند بسته به زاویه دید، هم به عنوان اسم و هم صفت به کار روند (طباطبایی، المیزان، ۳۵۲/۸). بنابراین، با توجه به این همبستگی عمیق، در این پژوهش، اصطلاح «اسماء الهی» به صورت فراگیر برای اشاره به هر دو مفهوم نام‌ها و صفات خداوند به کار می‌رود.

۲-٤. شناخت سوره حدید

سوره حدید، به عنوان پنجاه و هفتمین سوره قرآن، نام خود را از تعبیری در آیه ۲۵

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

این سوره گرفته است (مکارم شیرازی، ۲۹۲/۲۳). واژه «حدید» که از ریشه «حدّ» به معنای شدت و تیزی است، با توصیف آن به «بأس شدید» در همین سوره مطابقت دارد (مصطفوی، ۱۷۹/۲-۱۸۰). این سوره مدنی بوده و شامل ۲۹ آیه است (مراغی، ۱۵۷/۲۷). مضامین سوره حدید سیر منسجمی را دنبال می‌کند: این سیر با پایه‌ریزی مبانی توحید (آیات ۱ تا ۶) آغاز شده و در آیات ۷ تا ۱۵، ایمان مخاطب را از طریق دعوت به انفاق – که محک صدق آن است– می‌آزماید؛ سپس فلسفه این فرمان از دو منظر تبیین می‌شود: نخست فایده فردی آن (آیات ۱۶ تا ۲۴) در دستیابی به «حیات قلب» و رهایی از بخل، و دوم ضرورت اجتماعی آن (آیات ۲۵ تا ۲۷) برای برپایی قسط که خود نیازمند بذل مال و جان است؛ دو آیه پایانی نیز با دعوت به «ایمان عملی»، این سیر را به مثابه یک نتیجه‌گیری تکمیل کرده و نشان می‌دهند که مصداق بارز این ایمان، همان انفاق است (جواهری، ۱۳۱). بنابراین، هدف اصلی سوره را می‌توان «ایمان به خدا و ضرورت پیاده‌سازی آثار آن، به‌ویژه انفاق، برای رسیدن به غفران و فضل الهی» دانست (حوّی، ۵۷۳۳/۱۰؛ سیدقطب، ۳۴۷۹/۶؛ طباطبایی، المیزان، ۲۵۰/۱۹؛ زحیلی، ۳۰۹/۱۴؛ صابونی، ۱۵۳/۴؛ مدرسی؛ ۷/۱۵).

۳. آیه ۱ سوره حدید: (سَبَّحَ لِلّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ)

۳-۱. بررسی واژگان آیه

العزیز: واژه «عزیز» به مفاهیمی چون کمیابی و دست‌نیافتنی بودن (فراهیدی، ۷۶/۱)، و در اصل به معنای قوت و غلبه اشاره دارد (ابن‌منظور، ۳۷۴/۵). راغب اصفهانی آن را حالتی می‌داند که مانع شکست می‌شود و صاحبش را شکست‌ناپذیر می‌گرداند (راغب اصفهانی، ۵۶۳). فخررازی در تبیین صفت «عزیز» برای خداوند، وجوه گوناگونی را ذکر می‌کند: بی‌همتایی، غلبه شکست‌ناپذیر، قوت و شدت بی‌مانند، و «مُعِزّ» بودن یا عزت‌بخشی به دیگران، زیرا او به هر که بخواهد عزت می‌دهد (فخر رازی، لوامع البیّنات، ۱۹۵-۱۹۴).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

الحکیم: در معنای «حکیم» آمده که از ریشه «منع برای اصلاح» (راغب اصفهانی، ۲۴۸) یا «منع از ظلم» است (ابن‌فارس، ۹۱/۲) و به کسی اطلاق می‌شود که کارهایش محکم و مبتنی بر مصلحت است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ۱۶۴/۲). طبرسی آن را یا به معنای «عالم» (صفت ذات) و یا «متقن در عمل» (صفت فعل) می‌داند (طبرسی، ۱۸۳/۱). در روایات نیز حکمت به ثبات رأی و عاقبت‌اندیشی معنا شده است (مجلسی، ۲۱۶/۱). هنگامی که صفت «حکیم» به خداوند نسبت داده می‌شود، به معنای ذات مقدسی است که بهترین امور را با کامل‌ترین و دقیق‌ترین دانش می‌شناسد؛ این صفت به وضوح نشان‌دهنده علم ازلی و بی‌نهایت خداوند به تمامی هستی و جزئیات آن است و بنابراین، حکمت مطلق و کامل، تنها شایسته ذات باری تعالی است (غزالی، ۱۲۰/۱).

۳-۲. تحلیل خاتمه آیه ۱: «وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ»

آیه نخست سوره حدید با اعلام تسبیح همگانی خداوند توسط تمام موجودات آسمان و زمین و تصریح بر مالکیت مطلق او، چارچوب معنایی سوره را پایه‌ریزی می‌کند. ذکر پایانی «وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ» تاکید مضمون آیه است (آلوسی، ۱۶۶/۱۴) و ارتباطی ژرف با محتوای آیه دارد؛ چرا که تصریح بر تسبیح و مالکیت مطلق، نیازمند ارجاع به اوصافی است که اثبات‌کننده این حقایق باشند. ترکیب «العزیز الحکیم» بدین معناست که فقط ذات الهی، با قدرت شکست‌ناپذیر و غلبه مطلق (العزیز) و نیز حکمت، علم نامتناهی و اتقان در تدبیر (الحکیم)، شایسته این تسبیح و مالکیت است. این دو صفت، قدرت قاهره و حکمت بالغه الهی را نمایان می‌سازند و مبنای عقلانی برای عظمت و شایستگی او در پرستش فراهم می‌کنند. در افق کلی سوره، که دعوت به ایمان حقیقی و مقتضیات عملی آن مانند انفاق و جهاد است، این ترکیب در ابتدای سوره، بنیانِ معرفتی مؤمن را استوار ساخته و او را برای پذیرش اوامر الهی مهیا می‌کند. معرفت به اینکه خداوند با قدرت و حکمت مطلق، تدبیر عالم را به دست دارد، اطمینان و آرامش قلبی ویژه‌ای برای مؤمن به همراه دارد و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

وی را از منافقان و کافران متمایز می‌سازد. طباطبایی نیز تأکید می‌کند که «وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ» دلالت دارد بر اینکه خداوند دارای مقامی است که همه قدرت‌ها را در هم می‌شکند و افعال او متقن و بی‌نقص است، به‌گونه‌ای که هیچ عارضه‌ای بر آنها وارد نیست (طباطبایی، المیزان، ۱۴۵/۱۹). بدین ترتیب، این توصیف الهی، شالوده معرفت‌بخشی و پذیرش حکمت دستورات الهی را در سوره حدید رقم می‌زند.

٤. آیه ۲ سوره حدید: (لَهُ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ)

٤-۱. بررسی واژگان آیه

قدیر: واژه «قدیر» از ریشه «قَدَرَ» به معانی توانایی، تقدیر و اندازه‌گیری می‌آید (راغب اصفهانی، ۶۵۸؛ مصطفوی، ۲۰۶/۹؛ قرشی، ۲۴۷/۵). ابن‌فارس اصل آن را دال بر نهایت و غایت یک چیز می‌داند (ابن‌فارس، ۶۲/۵). «قدیر» به عنوان صفت مشبهه، بر ثبات، استمرار و کمال قدرتی همیشگی و بی‌نقص در ذات خداوند تأکید می‌کند (مصطفوی، ۲۰۸/۹).

٤-۲. تحلیل خاتمه آیه ۲: «وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ»

آیه دوم سوره حدید، در ادامه تأکید آیه نخست بر مالکیت مطلق الهی، تصریح می‌کند که مالکیت آسمان‌ها و زمین منحصر به خداوند است و سپس به دو نمونه از تصرفات انحصاری او، یعنی احیا و اماته اشاره می‌نماید: «یُحْیِی وَیُمِیتُ». پایان آیه با جمله «وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ»، تاکید مضمون آیه (آلوسی، ۱۶۶/۱۴) و تعمیم قدرت الهی از این دو مصداق خاص به همه عرصه‌های وجود است؛ بدین معنا که قدرت خداوند نه‌تنها در حیات و مرگ، بلکه در تمامی شئون هستی، مطلق و بی‌نهایت است و هیچ چیزی از دامنه قدرت او بیرون نیست. این قدرت مطلق، مبنای اصلی مالکیت و تدبیر الهی بر تمامی امور عالم، از جمله حیات و مرگ است. به‌عبارتی او به عنوان قادر مطلق، اراده‌اش تنها عامل تعیین‌کننده

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

برای وجود یافتن یا نیافتنِ هر پدیده‌ای در عالم هستی است (ابن‌کثیر، ۳۹/۸). در بستر سوره حدید که تأکید بر ایمان راستین، انفاق، و جهاد در راه خدا دارد، ذکر این خاتمه نقش اساسی در تثبیت اقتدار مطلق خداوند ایفا می‌کند و برای مؤمنان، اطمینان و پشتوانه‌ای معنوی فراهم می‌آورد تا در مسیر تحقق تکالیف الهی استوار باشند. افزون بر این، برای افراد غافل یا منافق، هشداری مبنی بر شمول قدرت الهی است و یادآوری می‌کند که هیچ مانعی در برابر تحقق اراده الهی وجود ندارد. به عبارتی این خاتمه یعنی در تفسیر المیزان آمده است: «جمله «وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» در حقیقت پاسخ به احتمالی است که ممکن است کسی در ذهن داشته باشد؛ مثلا اینکه چگونه ممکن است خدایی که مرده‌ای بدون اثر یا نشان زنده می‌کند، چنین قدرتی داشته باشد؟ این جمله با تأکید بر مطلق بودن قدرت خدا، این توهم را رد می‌کند و می‌گوید: او بر هر چیزی قدرت دارد، چه آنچه واضح و ظاهر است، چه آنچه از نظر ظاهر ناپدید شده است» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۵/۱۹). بنابراین کارکرد اصلی این خاتمه در آیه مورد بحث، تأسیس و تثبیت بنیاد قدرت مطلق الهی به عنوان پشتوانه مالکیت و تصرف او در هستی و مبنای لزوم تسلیم و اطاعت در برابر اوست.

۵. آیه ۳ سوره حدید: (هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ)

۵-۱. بررسی واژگان آیه

علیم: «علیم» صیغه مبالغه از ریشه «عَلِمَ» است. به بیان راغب اصفهانی، این صفت شامل ادراک ذات اشیاء و حکم بر وجود آن‌هاست و چون هیچ چیز بر خدا پوشیده نیست، او علیم است (راغب‌اصفهانی، ۵۸۰). علم در لغت، نقیض جهل تعریف شده است (ابن‌فارس، ۱۱۰/۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۴۱۶/۱۲؛ مصطفوی، ۲۰۵/۸). این واژه همچنین به معنای احاطه و حضور است و بر آگاهی فراگیر و همه جانبه خداوند بر تمام موجودات و امور دلالت می‌کند (همو، ۲۰۶؛ رمضانی گیلانی، ۲۸۲).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۵-۲. تحلیل خاتمه آیه ۳: «وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

آیه سوم سوره حدید با معرفی چهار صفت بنیادین «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ»، احاطه مطلق خداوند بر گستره زمان (اول و آخر) و عرصه وجود (ظاهر و باطن) را ترسیم می‌کند. خاتمه آیه با عبارت «وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» صرفاً یک وصف تکمیلی نیست، بلکه لازمه منطقی و بنیاد معرفتی اوصاف پیشین است. تنها ذاتی می‌تواند اول و آخر باشد که به مبدأ و معاد علم داشته باشد و تنها ذاتی می‌تواند ظاهر و باطن باشد که بر پیدا و پنهان هستی احاطه علمی مطلق داشته باشد. این اصل معرفتی در بستر کلی سوره حدید که مؤمنان را به ایمان عمیق و حسابرسی اعمال فرامی‌خواند، نقشی محوری دارد. برای مؤمنان، این علم مطلق الهی، مبنای توکل، اطمینان به پاداش و کیفر عادلانه و پذیرش حکمت اوست. در مقابل، برای منافقان و کافران، هشداری جدی است که هیچ چیز از قلمرو علم الهی خارج نیست. مفسران نیز تأکید دارند که برای خداوند به عنوان خالق، مفاهیمی چون «پنهان» و «آشکار» که از دیدگاه مخلوق معنا می‌یابند، بی‌مفهوم است و علم او بر همه چیز یکسان است (بقاعی، ۴۳۶/۷؛ خطیب شربینی، ۲۱۱/۴) و خداوند به هر چیز دانای مطلق است، به گونه‌ای که هیچ ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین (و نه چیزی کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از آن) از حیطه دانش کامل او پنهان نمی‌ماند (مراغی، ۱۶۰/۲۷). بدین ترتیب، کارکرد اصلی این خاتمه، تأسیس علم مطلق الهی به عنوان زیربنای احاطه وجودی او و لزوم آمادگی برای حسابرسی است.

۶- آیه ٤ سوره حدید: (هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ)

۶-۱. بررسی واژگان آیه

بصیر: واژه «بصیر» از ریشه «بَصَرَ» به معنای علم به امور ظاهر و باطن است (عسکری، ۷۴). راغب اصفهانی آن را به «قدرت ادراک دل» و بصیرت باطنی مرتبط

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

می‌داند، نه صرفاً دیدن ظاهری (راغب اصفهانی، ۱۲۷)، و معـانی دیگـری چـون حجـت و عقیده قلبی نیز برای آن ذکر شده است (ابن‌منظور، ۶۵/۴). در وصف خداوند، «بصـیر» بـه ذاتی اشاره دارد که بر همه موجودات، حتی امور پنهان در ژرفای زمـین، احاطـه دیـداری کامل دارد؛ این بینایی الهی، منزه از اعضـای فیزیکـی و تأثرپـذیری اسـت؛ زیـرا تغییـر و حدوث در ذات واجب‌الوجود راه ندارد (غزالی، ۹۱/۱).

۶-۲. تحلیل خاتمه آیه ٤: «وَاللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

آیه چهارم سوره حدید پس از تبیین خالقیت، استواء بر عرش، علـم فراگیـر و حضـور همیشگی خداوند، با عبارت «وَاللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» خاتمه می‌یابـد. ایـن خاتمـه، علـم و حضور مطلق الهی را مستقیماً به حوزه افعال و اعمال انسان‌ها تسری می‌دهـد و کـارکردی تربیتی و هشداردهنده دارد. پیام اصلی آن این است که هیچ عملی، چه پنهان و چه آشکار، از دید خداوند مخفی نمی‌ماند و او بر جزئیات و نیات پشت اعمال نیز آگاه است. در بسـتر سوره حدید که بر انفاق، جهاد و تمایز مؤمن واقعی از منافق بر اساس «عمل صالح» تأکید می‌کند، این آگاهی نقشی کلیدی در ایجاد حس مراقبت درونی و مسئولیت‌پذیری دارد. این اصل، برای مـؤمن، مشـوق اخـلاص و تقـوا و بـرای منـافق، هشـداری جـدی اسـت کـه ظاهرسازی او بی‌فایده است. مفسران نیز این صفت را نتیجه علم فراگیر الهـی دانسـته‌انـد؛ چنانکه آلوسی قرار دادن صفت «بصیر» در این موضع را برای تأکید بـر علـم خداونـد بـه اعمال به عنوان مبنای پاداش و کیفر می‌داند؛ علمی که به اعمـال پـس از وقوعشـان تعلـق می‌گیرد و اساس حسابرسی است، در حالی که خود آفرینش دقیق جهان، دلیلـی بـر علـم پیشین خداوند است (آلوسی، ۱۶۹/۱۴). همچنین در تفسیر «تیسیر الکریم الرحمن» آمـده است: «خاتمه «وَاللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» یعنی خداوند به اعمال شما و منشأ نیک یا بدِ آن‌هـا کاملاً بصیر است و همه را برای جزادهی، به طور کامل ثبـت و حفـظ مـی‌نمایـد (سـعدی، ۱۰۱۰/۱). بنابراین، کارکرد اصلی این خاتمه، ایجاد تقوا و حس مراقبت دائمی در مخاطب

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

از طریق تأکید بر آگاهی کامل خدا از اعمال اوست.

۷. آیه ۶ سوره حدید: (يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ)

۷-۱. تحلیل خاتمه آیه ۶: «وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»

آیه ششم سوره حدید، پس از اشاره به تدبیر الهی در پدیده کیهانیِ ورود شب به روز و روز به شب، با عبارت «وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» خاتمه می‌یابد. این خاتمه، گستره علم الهی را از عالم کبیر به عالم صغیر، یعنی از پدیده‌های عظیم بیرونی به اعماق درون انسان، تعمیم می‌دهد. منطق آیه بر این استوار است که خداوندی که بر چنین نظم دقیقی در هستی مسلط است، به طریق اولی بر پنهان‌ترین نیت‌ها، افکار و اسرار قلوب نیز آگاهی کامل دارد. همچنین این خاتمه یعنی علم او نه فقط بر نیات پنهانِ ورای اعمال آشکار، بلکه بر خودِ حقیقت و ماهیت قلب‌ها نیز احاطه دارد که در این صورت، آگاهی از محتویات آن به طریق اولی ثابت می‌شود (آلوسی، ۱۶۹/۱۴). در بستر سوره حدید که بر ایمان حقیقی، انفاق خالصانه و پرهیز از نفاق تاکید می‌ورزد، این آگاهی نقشی حیاتی ایفا می‌کند. این معرفت به مؤمن یادآوری می‌کند که معیار سنجش اعمال، «نیت» و اخلاص باطنی است و او را به اصلاح درون سوق می‌دهد؛ و برای منافقان هشداری جدی است که ظاهر فریبا، باطن ناخالصشان را از دید خداوند پنهان نمی‌دارد. ابن‌عاشور بیان می‌کند که ذکر تصرف خداوند در «شب»، که زمان پنهان کردن امور است، مقدمه‌ای هوشمندانه برای بیان علم او به «پنهان‌ترین پنهانی‌ها» یعنی نیت‌هاست؛ از دید او، نیت‌ها که معانی پنهان از حواس هستند، در «تاریکی باطن انسان» مخفی شده‌اند و هیچ عالمی جز خداوند متعال بر آن‌ها آگاه نمی‌شود (ابن‌عاشور، ۳۳۲/۲۷). بنابراین، کارکرد اصلی خاتمه آیه، تأکید بر محوریت نیت و باطن و ایجاد حس حضور دائمی خداوند برای تقویت تقوا، اخلاص و پرهیز از نفاق است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۸. آیه ۹ سوره حدید: (هُوَ الَّذِی یُنَزِّلُ عَلَی عَبْدِهِ آیَاتٍ بَیِّنَاتٍ لِیُخْرِجَکُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِکُمْ لَرَءُوفٌ رَحِیمٌ)

۸-۱. بررسی واژگان آیه

رؤوف: کلمه «رؤوف» از ماده رأف و به معنای رحمت است (فراهیدی، ۲۸۲/۸؛ صاحب‌بن عباد، ۲۵۶/۱۰) و به آن «أشد الرحمة» نیز می‌گویند (جوهری، ۱۳۶۲/۴). این نشان می‌دهد که «رأفت» نوع خاص و عمیق‌تری از رحمت است.

رحیم: واژه «رحیم» از ریشه «رَحِمَ» است که بر معنای رقّت و عطوفت دلالت می‌کند (ابن‌فارس، ۴۹۸/۲). رحمت از جانب خداوند متعال، انعام و بخشش و از سوی بندگان، عطوفت و مهربانی است (راغب اصفهانی، ۳۴۸-۳۴۷؛ قرشی، ۷۰/۳). صفت «رحیم» در وصف خداوند متعال، مفهومی فراتر از ترحم انفعالی یا صرفاً پاسخ به یک احتیاج دارد. در حقیقت، رحمت الهی تجلی اراده‌ای فعال و قصدی آگاهانه از سوی پروردگار است که با علم و اختیار مطلق، به بندگان نیازمند خود توجه نموده و خیر و برکت را بر آنان جاری می‌سازد و بنابراین، رحمت خدا یک کنش ارادی و هدفمند است، نه یک واکنش احساسی به نیاز مخلوقات (غزالی، ۶۲/۱).

در مقایسه «رأفت» و «رحمت»، رأفت از جهت کیفیت خاص‌تر، شدیدتر و قوی‌تر است و رحمت به لحاظ کیفیت عام‌تر و مصادیق آن بیشتر است (مصطفوی، ۶/۴؛ سبحانی، منشور جاوید، ۲۶۴/۲). طباطبایی می‌نویسد: «خداوند متعال از جهت رحمت خاص خود که همان سعادت است، «رحیم» است و رحیم، به خاطر اینکه هر شیء ریز و دقیقی را آفریده، «لطیف» است و خدا از آن جهت که رحیم و لطیف است، «رؤوف» است» (طباطبایی، الرسائل التوحیدیة ، ۴۰).

۸-۲. تحلیل خاتمه آیه ۹: «وَإِنَّ اللَّهَ بِکُمْ لَرَءُوفٌ رَحِیمٌ»

آیه نهم سوره حدید، هدف اصلی نزول وحی را هدایت انسان‌ها از ظلمات گمراهی به

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

سوی نور معرفت بیان می‌کند. خاتمه این آیه با عبارت «وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ»، پاسخی عمیق به این پرسش است که چرا خداوند چنین لطفی در حق بندگان روامی‌دارد. پاسخ این است که این اقدام، بر اساس رأفت و رحمت بی‌کران الهی صورت گرفته است. نزول آیات برای نجات انسان از شقاوت و هدایت او به سوی رستگاری، مصداق بارز این مهربانی است. در بستر سوره حدید که بر لزوم ایمان، عمل صالح و پرهیز از دنیاگرایی تأکید دارد، این خاتمه نقشی کلیدی در ایجاد انگیزه ایفا می‌کند. وقتی مؤمن بداند این دعوت نه از سر نیاز خداوند، بلکه از نهایت رأفت و رحمت اوست، با اشتیاق بیشتری آن را می‌پذیرد. این عبارت برای کسانی که هنوز در تاریکی هستند نیز دریچه‌ای از امید می‌گشاید. مفسران تأکید دارند که ذکر این دو صفت، علت این لطف الهی را تبیین می‌کند؛ به این معنا که رأفت و رحمت الهی موانع سعادت را از میان برمی‌دارد و اگر خداوند اراده کرده بود که برخی در کفر بمانند، توصیف خود به رئوف و رحیم معنایی نداشت (آلوسی، ۱۷۱/۱۴؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۴۵۱/۲۹). بنابراین، کارکرد اصلی این عبارت، تأکید بر رحمت الهی به‌عنوان انگیزه هدایت‌گری و تشویق مخاطب برای پذیرش پیام الهی است.

۹. آیه ۱۰ سوره حدید: (وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ)

۹-۱. بررسی واژگان آیه

خبیر: واژه «خبیر» از ریشه «خَبَرَ» به کسی اطلاق می‌شود که از حقیقت و باطن امور مطلع است؛ همچنین این کلمه به معنای آگاهی، گاه در نقش فاعلی به معنای «آگاه‌کننده» یا «خبردهنده» نیز به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۲۷۳). برخی لغت‌شناسان آن را آگاهی کسب شده از تجربه و اطلاع کامل از کنه امور (فراهیدی، ۲۵۸/۴) و یا دانشی حاصل از بررسی و احاطه بر موضوع (مصطفوی، ۱۰/۳) دانسته‌اند. در تعریفی دقیق‌تر، «خبیر» کسی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

است که چیزی از نظرش پنهان نیست؛ این صفت در مورد انسان به فردی اطلاق می‌شود که در صدد کسب آگاهی است، اما خداوند متعال از ازل به آنچه خلق کرده، خبیر و آگاه بوده است (ابن‌بابویه، ۲۹۹/۱). هنگامی که این اسم برای خداوند به کار می‌رود، به این معناست که ذات باری‌تعالی به کنه اشیاء علم داشته و بر حقیقت آن‌ها احاطه کامل دارد (فخر رازی، لوامع البیّنات، ۲۴۸/۱).

۹-۲. تحلیل خاتمه آیه ۱۰: «وَاللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

آیه دهم سوره حدید، پس از دعوت به انفاق و جهاد، میان مؤمنانی که پیش از فتح مکه عمل کرده‌اند و کسانی که پس از آن اقدام نموده‌اند، تفاوت قائل می‌شود؛ گروه اول دارای فضیلت بیشتری هستند، اما به هر دو گروه وعده پاداش نیک داده شده است. خاتمه آیه با عبارت «وَاللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» به عنوان یک تضمین کلیدی عمل می‌کند. این عبارت به مخاطب اطمینان می‌دهد که خداوند از تمام جزئیات اعمال، از جمله میزان اخلاص، سختی‌ها و شرایط زمانی و مکانی آن‌ها، آگاهی کامل دارد. این آگاهی «خبیرانه» فراتر از دیدن ظاهری و علم به نیات کلی است و به کنه و حقیقت امور احاطه دارد. این معرفت به مؤمنان اطمینان می‌دهد که تفاوت درجات میان انفاق‌کنندگان، مبتنی بر علم دقیق و عدالت کامل الهی است و هیچ تلاشی، هرچند کوچک، نادیده گرفته نمی‌شود. این امر از یک سو مشوقی برای عمل خالصانه در هر شرایطی است و از سوی دیگر، هشداری برای کسانی است که در عمل کوتاهی کرده یا نیت ناخالص دارند. ابن‌کثیر این خاتمه را توجیه الهی برای تفاوت در پاداش‌ها می‌داند که بر اساس علم کامل خداوند به «نیت، اخلاص و انفاق در حال سختی» صورت می‌گیرد (ابن‌کثیر، ۴۷/۸). طباطبایی معتقد است این جمله هم توبیخ ابتدای آیه را تشدید می‌کند و هم تفاوت درجات و وعده پاداش به هر دو گروه را تثبیت می‌نماید (طباطبایی، المیزان، ۱۵۴/۱۹). بنابراین، کارکرد اصلی این خاتمه، تأیید عدالت الهی در پاداش‌دهی و تشویق مؤمنان به عمل صالح است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۱۰- آیه ۲۱ سوره حدید: (سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ)

۱۰-۱. بررسی واژگان آیه

فضل العظیم: واژه «فضل» به معنای فزونی مازاد بر استحقاق است و در قرآن عمدتاً به معنای «عطیه و رحمت الهی» به کار می‌رود که بخششی غیرواجب و از سر لطف خداوند است (راغب‌اصفهانی، ۶۳۹؛ قرشی، ۱۸۲/۵-۱۸۳). صفت «عظیم» نیز به معنای بزرگی است و هنگامی‌که به خداوند نسبت داده می‌شود، بر عظمت معنوی و وجودی دلالت دارد که لازمه قدرت مطلق اوست، نه بزرگی مادی. ذات الهی اعظم از هر عظیمی است، چراکه عظمت او ذاتی و ابدی است (راغب اصفهانی، ۶۳۹؛ قرشی، ۱۷/۵؛ مصطفوی، ۱۷۵/۸). ترکیب «فضل عظیم» برای تبیین گستردگی و بزرگی این بخشش الهی به کار رفته است. همچنین آمدن الف و لام جنس بر سر هر دو واژه، به فضلی چنان بزرگ اشاره دارد که عقل انسان از احاطه کامل بر آن عاجز است (مسلم، ۱۵۵/۳). بدین ترتیب، این عبارت بر عطایای بی‌کران و غیرقابل شمارشی تأکید می‌کند که از ذات عظیم خداوند سرچشمه می‌گیرد.

۱۰-۲. تحلیل خاتمه آیه ۲۱: «وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»

آیه بیست و یکم سوره حدید مؤمنان را به «مسابقه» برای رسیدن به مغفرت و بهشتی به گستره آسمان‌ها و زمین فرامی‌خواند و این پاداش را برای اهل ایمان به خدا و رسولانش مهیا می‌داند. خاتمه آیه با عبارت «وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» یعنی خداوند دارای عطای بزرگ و نعمت‌های گران‌سنگ و بی‌کران است (سمرقندی، ۴۰۸/۳) که این پایان‌بندی، به صورت حکیمانه با محتوای آیه پیوند می‌خورد. این عبارت پاسخ می‌دهد که چگونه چنین پاداش عظیمی در برابر اعمال محدود انسان ممکن است؛ پاسخ این است که این پاداش نه صرفاً نتیجه استحقاق، بلکه جلوه‌ای از فضل و بخشش بی‌کران الهی است. در بستر سوره حدید که به انفاق و جهاد دعوت کرده و دنیا را متاعی فریبنده معرفی می‌کند (مانند

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

آیه ۲۰)، این خاتمه، انگیزه‌ای قدرتمند برای مجاهدت ایجاد می‌کند. وقتی مؤمن درک کند که در ازای تلاش‌هایش، پاداشی بی‌نهایت از سوی «صاحب فضل عظیم» دریافت خواهد کرد، امیدش فزونی یافته و برای سبقت در خیرات تشویق می‌شود. مفسران نیز این عبارت را بیانگر گستردگی رحمت الهی می‌دانند که شامل مغفرت و همان بهشت عظیمی می‌شود که در آیه به پهنای آسمان‌ها و زمین توصیف شده است (طبری، ۱۳۴/۲۷؛ طباطبایی، المیزان، ۲۹۳/۱۹). بنابراین، کارکرد اصلی این خاتمه، تقویت انگیزه مؤمنان برای عمل صالح از طریق تأکید بر عظمت پاداش و ریشه داشتن آن در فضل بی‌پایان خداوند است.

۱۱. آیه ۲٤ سوره حدید: (الّذِینَ یَبْخَلُونَ وَیَأْمُرُونَ النّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ یَتَوَلّ فَإِنّ اللّهَ هُوَ الْغَنِیّ الْحَمِیدُ)

۱۱-۱. بررسی واژگان آیه

الغنی: کلمه «غَنی» در معنای بی‌نیازی مطلق فقط درباره خداوند استعمال می‌شود (راغب اصفهانی، ۶۱۵). در قاموس آمده است: «غَنی» در قرآن فقط در معنای کفایت و بی‌نیازی استعمال شده است و معانی دیگر به اعتبار این دو معانی مطرح شده‌اند (قرشی، ۱۲۵/۵). گفته‌اند: «غنی» به عنوان یکی از اسماء الهی یعنی اینکه خداوند مبدا و منبع همه کمالات است و هیچ‌گونه نقص و محدودیتی در او راه ندارد و او مالک همه چیز و ذاتاً بی‌نیاز است و حاجتی ندارد، بلکه همه محتاج اویند و او غنی مطلق است (سبحانی، خدا و صفات جمال و جلال ، ۸۳).

الحمید: «حمید» از ریشه «حَمِدَ» و در لغت به معنای «ستایش، ستودن، تعریف کردن، ثناگویی و مدح» است و برخی این واژه را به معنای مفعول، یعنی محمود و ستوده شده در هر حال گرفته‌اند (طریحی، ۳۹/۳؛ قرشی، ۱۷۲/۲). زمانی که «حمید» برای خداوند به کار می‌رود، به معنای ستایش مطلق برای کمالات ذاتی اوست، در حالی‌که برای انسان این صفت به صورت نسبی و تنها به اندازه اعمال و اخلاق ستوده‌اش اطلاق می‌شود؛ در نتیجه، «حمید مطلق» فقط خداوند متعال است (غزالی، ۱۳۰/۱).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۱۱-۲. تحلیل خاتمه آیه ۲٤: «فَإِنّ اللّهَ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ»

آیه بیست و چهارم سوره حدید به مذمت کسانی می‌پردازد که بخل ورزیده و دیگران را به آن تشویق می‌کنند و نیز به روی‌گردانان از فرمان الهی هشدار می‌دهد. خاتمه آیه، «فَإِنّ اللّهَ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ»، مناسبتی قوی و بازدارنده با این مضمون دارد. این عبارت تأکید می‌کند که بخل‌ورزی یا روی‌گردانی انسان‌ها، هیچ کاستی در بی‌نیازی مطلق و ستودگی ذاتی خداوند ایجاد نمی‌کند. خداوند برای تحقق اراده‌اش نیازی به مال یا اطاعت بندگان ندارد؛ انفاق و اطاعت تنها به نفع خود انسان و بخل و سرپیچی تنها به ضرر اوست. این خاتمه به بخیلان می‌فهماند که خداوند «غنی» است و به انفاقشان نیازی ندارد و به روی‌گردانان هشدار می‌دهد که سرپیچی‌شان از قدرت او نمی‌کاهد، زیرا او ذاتاً «حمید» است. در بستر سوره حدید که بر ایمان و انفاق تأکید دارد، این پایان‌بندی هرگونه توهم وابستگی خدا به اعمال بندگان را نفی می‌کند. چنانکه طباطبایی بیان می‌کند، روی‌گردانی از انفاق ناشی از عدم باور به غنای الهی است؛ زیرا خداوند غنی است و احتیاجی به انفاق آنان ندارد و حمید هم هست و در آنچه می‌کند محمود و ستوده است (طباطبایی، المیزان، ۱۶۸/۱۹). کارکرد اصلی خاتمه این آیه، نفی توهم سود رساندن یا ضرر زدن به خداوند با اعمال خود، تاکید بر بی‌نیازی و ستودگی مطلق الهی و ایجاد انگیزه برای عمل صالح بر اساس میل به کسب رضایت او (حمید) و نه رفع نیاز او (غنی) است.

۱۲. آیه ۲۵ سوره حدید: (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَیِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْکِتَابَ وَالْمِیزَانَ لِیَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِیدَ فِیهِ بَأْسٌ شَدِیدٌ وَمَنَافِعُ لِلنّاسِ وَلِیَعْلَمَ اللّهُ مَنْ یَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَیْبِ إِنّ اللّهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ)

۱۲-۱. بررسی واژگان آیه

قوی: صفت «قوی»، که در لغت به معنای نیرومندی و در تقابل با ضعف قرار دارد (راغب اصفهانی، ۶۹۳؛ قرشی، ۶۸/۶)، برای خداوند بر کمال قدرت او دلالت می‌کند؛ بدین

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

معنا که هم هر اثری را که بخواهد در ممکنات ایجاد می‌نماید و هم از هیچ مخلوقی اثر نمی‌پذیرد (فخر رازی، لوامع البیّنات، ۲۹۵).

۱۲-۲. تحلیل خاتمه آیه ۲۵: «إِنّ اللّهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ»

آیه بیست و پنجم سوره حدید به رسالت پیامبران و اهداف بنیادین الهی در فرستادن آن‌ها اشاره می‌کند. سپس به نزول آهن و کاربردهای آن (قدرت و منفعت) اشاره می‌کند و در نهایت، یکی از اهداف ارسال رسل و انزال کتاب و آهن را این می‌داند که تا خداوند بداند چه کسی او و پیامبرانش را در پنهان یاری می‌کند. خاتمه آیه با عبارت «إِنّ اللّهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ»، یعنی هیچ چیز خداوند را عاجز و ناتوان نمی‌سازد و هیچ کسی نمی‌تواند از حیطه اقتدار او بگریزد (سعدی، ۱۰۱۵/۱). این خاتمه تاکید مضمون آیه است (آلوسی، ۱۸۸/۱۴) و مناسبتی محکم و منطقی با محتوای آن دارد. پس از بیان اهداف بزرگی چون یاری خدا و رسول، که مستلزم مقابله با موانع است، و اشاره به ابزار قدرت مادی (آهن)، ذکر «قَوِیٌّ» و «عَزِیزٌ» این پیام را می‌رساند که این اهداف بزرگ قطعاً محقق خواهند شد. مناسبت این دو صفت در آن است که قدرت الهی، پشتوانه اصلی تحقق رسالت است و این امور صرفاً به توانایی بشری واگذار نشده‌اند. خداوند خود برای تحقق اهدافش نیرومند و شکست‌ناپذیر است. اشاره به «بَأْسٌ شَدِیدٌ» آهن نیز در همین راستاست؛ خداوند ابزار قدرت مادی را می‌دهد اما یادآوری می‌کند که قدرت حقیقی از آنِ خود اوست. این معرفت، یاری کردن «بالغیب» را معنادار می‌سازد، زیرا مؤمن می‌داند تکیه‌گاهش قدرتی بی‌نهایت است. در بستر سوره حدید که بر ایمان و جهاد تأکید دارد، این خاتمه در دل مؤمنان اطمینان، شجاعت و امید می‌آفریند و به آنان یادآوری می‌کند که در برابر قدرت‌های باطل نترسند. این عبارت همچنین هشداری است به مخالفان که در برابر قدرتی شکست‌ناپذیر ایستاده‌اند. طباطبایی می‌نویسد: «جمله «إِنَّ اللَّهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ» با توجه به آیه، گویا اشاره دارد به اینکه دستور خدای تعالی به جهاد برای همین بوده که امتثال کنندگان را

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

از دیگران جدا کند، نه اینکه خدای تعالی احتیاجی به نصرت ناصری داشته باشد، چون خدا قوی است، که به هیچ وجه ضعف در او راه ندارد و عزیز است، که ذلت به سویش راه نمی‌یابد». (طباطبایی، المیزان، ۱۷۲/۱۹). بنابراین کارکرد اصلی خاتمه، تأکید بر قدرت مطلق الهی به عنوان پشتوانه رسالت، ایجاد اعتماد در مؤمنان و هشدار به مخالفان است.

۱۳. آیه ۲۸ سوره حدید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ)

۱۳-۱. بررسی واژگان آیه

غفور: درباره کلمه «غفور» معانی مختلفی گفته شده است. غفور از ماده «غَفَرَ» و یکی از معانی آن مصون داشتن از پلیدی و آلودگی است (راغب اصفهانی، ۶۰۹). در کتاب العین به معنای پوشاندن آمده است (فراهیدی، ۴۰۷/۴). همچنین این کلمه به معنای محو اثر نیز است که درباره گناهان استعمال می‌شود و معانی ستر، صفح و مصون را از لوازم محو اثر دانسته‌اند (مصطفوی، ۲۴۱/۷). استعمال این واژه در مورد خداوند به معنای آمرزش خطاها، پوشاندن عیوب و رفع رنج‌هاست که از روی فضل، لطف و کرامت الهی صورت می‌گیرد و بیانگر وسعت رحمت و بخشندگی بی‌کران اوست (قشیری، ۲۵۰/۱).

۱۳-۲. تحلیل خاتمه آیه ۲۸: «وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

آیه بیست و هشتم سوره حدید، مؤمنان را به تقوای الهی و ایمان به پیامبرش فرا می‌خواند و در مقابل، پاداش‌های بزرگی را وعده می‌دهد. خاتمه آیه با عبارت «وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، مناسبتی بسیار عمیق و دلگرم‌کننده با این محتوا دارد. این خاتمه، وعده‌هایی چون دو بهره از رحمت، نور هدایت و مغفرت را تضمین کرده و ریشه آن‌ها را در صفات ذاتی خداوند بیان می‌کند. پاداش‌های مذکور، جلوه‌ای از غفران و رحمت الهی هستند: وعده «يَغْفِرْ لَكُمْ» مستقیماً با صفت «غفور» پیوند دارد و وعده‌های «يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ» و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

«يَجْعَل لَّكُمْ نُورًا» ریشه در صفت «رحیم» دارند. این خاتمه نشان می‌دهد که این پاداش‌ها بیش از آنکه از سر استحقاق بنده باشند، از روی فضل، آمرزش و مهربانی بی‌کران الهی هستند. در بستر سوره حدید که مؤمنان را به ایمان و مجاهدت دعوت می‌کند، این عبارت نقشی حیاتی در ایجاد امید و تشویق به توبه دارد و به مؤمن اطمینان می‌دهد که حتی در صورت لغزش، درِ مغفرت باز است. طباطبایی می‌نویسد که خداوند با عبارت «وَاللّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، وعده رحمت و نور خود را تکمیل کرده است (طباطبایی، المیزان، ۱۷۴/۱۹). کارکرد اصلی این خاتمه، تأکید بر آمرزش و مهربانی الهی به عنوان منشأ پاداش‌ها و ایجاد امید برای حرکت در مسیر تقوا و ایمان است.

۱۴. آیه ۲۹ سوره حدید: (لِئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ)

۱۴-۱. تحلیل خاتمه آیه ۲۹: «وَاللّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»

آیه ۲۹ سوره حدید بیان می‌دارد که اهل کتاب هیچ قدرتی بر فضل الهی ندارند و تمام فضل در دست خداست. خاتمه آیه، «وَاللّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»، این محتوا را تاکید و تثبیت می‌کند (آلوسی، ۱۹۳/۱۴). این عبارت نشان می‌دهد که فضل الهی نه تنها در انحصار اوست، بلکه عظمت آن نیز به حدی است که این انحصار را توجیه می‌کند. در بستر سوره، این خاتمه به مؤمنان یادآوری می‌کند که هر خیری از جمله ایمان و پاداش، تنها از فضل عظیم خداست که این امر موجب فروتنی و شکرگزاری می‌شود. همچنین هشداری است به دیگران که منبع اصلی فضل کجاست. فخر رازی می‌گوید «وَاللّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» یعنی ذاتی که بزرگ است، ناگزیر باید که احسان و نیکی‌اش نیز بزرگ باشد (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۴۷۶/۲۹). کارکرد اصلی این خاتمه، تثبیت حاکمیت مطلق خداوند بر فضل عظیمش و یادآوری این منبع به مؤمنان است. هرچند خاتمه آیات ۲۱ و ۲۹ یکسان است، کارکردشان متفاوت است. در آیه ۲۱، تأکید بر عظمت پاداش (بهشت) به عنوان جلوه‌ای از

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

فضل عظیم است تا مؤمنان را به مجاهدت تشویق کند. اما در آیه ۲۹، تأکید بر انحصار فضل در دست خداوند و نفی قدرت دیگران است و کارکرد اصلی آن، تثبیت حاکمیت مطلق الهی بر فضل و بخشش خویش است.

۱۵. دسته‌بندی و تحلیل کارکردی اسماء الهی در سوره حدید

تحلیل مجموعه‌ی اسماء الهی در خواتیم آیات سوره حدید نشان می‌دهد که چینش آن‌ها از یک سیر تربیتی هدفمند در راستای تحقق مضامین محوری سوره (ایمان، انفاق و جهاد) پیروی می‌کند. این اسماء را می‌توان بر اساس کارکردشان در سه دسته‌ی اصلی طبقه‌بندی کرد:

۱۵-۱. دسته‌ی اول: اسماء با کارکرد معرفتی (تأسیس جهان‌بینی توحیدی)

این دسته از اسماء که در آیات ابتدایی سوره (۱-۳) قرار دارند، شالوده‌ی معرفتی مخاطب را بنیان می‌نهند و با ارائه تصویری جامع از پروردگار، شایستگی او برای اطاعت را مستدل می‌سازند. این سیر با خاتمه‌ی «الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» آغاز می‌شود که تسبیح کائنات را به دو ستون قدرت شکست‌ناپذیر و تدبیر بی‌نقص الهی مستند کرده و مبنای عقلانی پذیرش حاکمیت او را فراهم می‌آورد. سپس با خاتمه‌ی «عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، این قدرت به یک اصل کلی تعمیم داده می‌شود تا هرگونه شک در توانایی خداوند بر تصرف، احیا و اماته برطرف گردد. در نهایت، این بنیان معرفتی با خاتمه‌ی «بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» تکمیل می‌شود که احاطه‌ی مطلق علمی خداوند بر ظاهر و باطن هستی را تضمین و تثبیت می‌کند.

۱۵-۲. دسته‌ی دوم: اسماء با کارکرد تربیتی (ایجاد نظام نظارت الهی)

پس از استقرار بنیان معرفتی، گروه دوم از اسماء با هدف ایجاد حس حضور و مراقبت دائمی خداوند به کار گرفته می‌شوند تا مؤمن را به اخلاص در عمل و نیت سوق دهند. این اسماء یک نظام نظارتی دقیق و چندلایه را ترسیم می‌کنند؛ ابتدا خاتمه‌ی آیه با «بِمَا تَعْمَلُونَ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

بَصِیرٌ» (آیه ۴)، نظارت خداوند بر اعمال ظاهری انسان را برقرار می‌سازد. در مرحله بعد، خاتمه‌ی «عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (آیه ۶) این نظارت را به نیات باطنی و اسرار سینه‌ها تعمیق می‌بخشد. این فرآیند با خاتمه‌ی «بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ» (آیه ۱۰) به اوج خود می‌رسد که با تضمین نظارت دقیق و عادلانه بر کیفیت عمل، راه را بر هرگونه ریا و ظاهرگرایی می‌بندد.

۱۵-۳. دسته‌ی سوم: اسماء با کارکرد انگیزشی (تجهیز مؤمن برای عمل)

در مرحله نهایی، دسته سوم از اسماء مستقیماً با تکالیف محوری سوره (انفاق، جهاد و سبقت در خیرات) پیوند می‌خورند تا موانع روانی را برطرف کرده و شوق عمل را برانگیزند. این بخش با اسماء «لَرَءُوفٌ رَحِیمٌ» (آیه ۹) و «غَفُورٌ رَحِیمٌ» (آیه ۲۸)، مانع ناامیدی و ترس از خطا را از سر راه مؤمن برمی‌دارد. در ادامه، خاتمه‌ی آیه با «هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ» (آیه ۲۴) با تبیین بی‌نیازی مطلق خداوند، مانع بزرگ انفاق یعنی بخل و دنیاگرایی را از میان برمی‌دارد. همچنین، خاتمه «قَوِیٌّ عَزِیزٌ» (آیه ۲۵) با اتصال مؤمنان به منبع قدرت الهی، مانع ترس از دشمن و احساس ضعف در مسیر جهاد را برطرف می‌سازد. در نهایت، خاتمه‌ی آیات با «ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ» (آیات ۲۱ و ۲۹) با ترسیم پاداشی بی‌کران، بالاترین انگیزه را برای سبقت و رقابت در خیرات ایجاد می‌کند.

نتایج مقاله

۱. **در سطح آیه:** اسماء الهی در پایان هر آیه کارکردی دوگانه و بنیادین ایفا می‌کنند؛ این اسماء از یک سو با تبیین علت و حکمت محتوای آیه، آن را مستدل ساخته و از سوی دیگر با اتصال یک دستور یا مفهوم جزئی به یک صفت مطلق الهی، پیام آن را برای مخاطب تکمیل کرده و و افق معنایی آن را برای مخاطب گسترش می‌دهند.

۲. **در سطح مضامین:** این اسماء در سه دسته کارکردی هدفمند جای می‌گیرند که هر یک وظیفه‌ای مشخص را به انجام می‌رسانند: دسته معرفتی بینش توحیدی را بنیان می‌گذارد، دسته تربیتی نظام نظارت درونی و اخلاص را تعمیق می‌کند، و دسته انگیزشی مؤمن را برای تحقق انفاق و جهاد تجهیز می‌نماید.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳. در سطح کلان سوره: چینش این سه دسته، یک سیر تربیتی نظام‌منـد از معرفـت بـه مراقبت و سپس به عمل را صورت‌بندی می‌کند؛ این ساختار مهندسی‌شده اثبات می‌کند کـه سوره حدید یک واحد تربیتی یکپارچه است که با ابزار اسماء الهی، مخاطب را گام‌بـه‌گـام هدایت کرده و وجهی از اعجاز بیانی و ساختاری قرآن کریم را آشکار می‌سازد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. آلوسی، محمودبن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی، عیون اخبار الرضا (ع)، به ترجمه: مستفید، حمیدرضا؛ غفاری، علی‌اکبر، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۲ش.
۴. ابن‌عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۵. ابن‌فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل‌بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، محقق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۷. ابن‌منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوضیع، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۸. ابوشبهه، محمد، المدخل لدراسة القرآن الکریم، قاهره، مکتبة السنة، ۱۴۲۳ق.
۹. باقلانی، ابوبکر، اعجاز القرآن، محقق: صقر، سید احمد، مصر، دار المعارف، ۱۹۹۷م.
۱۰. بقاعی، برهان‌الدین، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، لبنان، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
۱۱. بنت‌الشاطئ، عائشه، الإعجاز البیانی للقرآن ومسائل ابن الأزرق، مصر، دارالمعارف، ۱۴۱۹ق.
۱۲. جواهری، طیبه، پایان‌نامه تبیین موضوع محوری سوره مبارکه حدید، راهنما: محمدعلی مهدوی راد، ۱۳۹۴ش.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، بی‌تا.
۱۴. حیدری، کمال، منطق فهم القرآن، قم، دار فراقد، ۱۴۳۳ق.
۱۵. حوّی، سعید، الاساس فی التفسیر، قاهره، انتشارات دار السلام، ۱۴۰۵ق.
۱۶. خطّابی، حمدبن محمّد، بیان اعجاز القرآن، محقق: خلف‌الله، محمّد؛ سلام، محمّد زغلول، مصر، دار المعارف، ۱۹۷۶م.
۱۷. خطیب شربینی، محمدبن احمد، تفسیر السراج المنیر، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۵ق.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق: داوودی، صفوان عدنان، بیروت– دمشق، دارالقلم، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۹. رافعی، مصطفی صادق، إعجاز القرآن والبلاغة النبویة، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۲۵ق.
۲۰. رمضانی گیلانی، رضا، درآمدی بر اسماء الهی از دیدگاه قرآن و عرفان، قم، نسیم حیات، ۱۳۷۹ش.
۲۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن (۱)، قم، جامعة المصطفی العالمیة، ۱۳۸۷ش.
۲۲. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق، دار الفکر، ۱۴۲۴ق.
۲۳. زرکشی، محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۰ق.
۲۴. سبحانی، جعفر، خدا و صفات جمال و جلال، قم، انتشارات توحید، ۱۳۵۹ش.
۲۵. همو، جعفر، منشور جاوید، قم، دار العلم، ۱۳۸۳ش.
۲۶. سعدی، عبدالرحمان، تیسیر الکریم الرحمن فی تفیسر کلام المنان، لبنان، مکتبة النهضة العربیة، ۱۴۰۸ق.
۲۷. سمرقندی، نصربن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۸. سید قطب، ابراهیم حسین، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۹. سیوطی، جلال‌الدین، الإتقان فی علوم القرآن، لبنان، دار الکتاب العربی، ۱۴۲۱ق.
۳۰. صاحب‌بن عباد، اسماعیل‌بن عباد، المحیط فی اللغة، بیروت، عالم الکتب، بی‌تا.
۳۱. صابونی، شیخ محمدعلی، دراسات، دار الجلیل، ۲۰۰۱م.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، الرسائل التوحیدیة، قم، بنیاد علمی و فکری علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، ۱۳۶۵ش.
۳۳. همو، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۳۴. طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۵. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن(تفسیر الطبری)، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳۶. طریحی، فخرالدین‌بن محمد، مجمع البحرین، محقق: حسینی اشکوری، احمد، تهران، مرتضوی، بی‌تا.
۳۷. عسکری، حسن بن عبد الله، الفروق فی اللغة، بیروت، دار الآفاق الجدیدة، ۱۴۰۰ق.
۳۸. علوی‌مهر، حسین، مسئله وحی و پاسخ به شبهات آن، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۲ش.
۳۹. غزالی، ابوحامد، المقصد الأسنی فی شرح معانی أسماء الله الحسنی، قبرس، الجفان والجابی، ۱۴۰۷ق.
۴۰. فخررازی، محمدبن عمر، لوامع البیّنات؛ شرح اسماء الله تعالی و الصفات، قاهره، مکتبة الکلمات الازهریة، ۱۴۰۶ق.
۴۱. همو، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۲. فراهیدی، خلیل‌بن احمد، العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۴۳. قرشی‌بنایی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۱۲ق.
۴۴. قشیری، عبدالکریم، شرح اسماء الله الحسنی، قاهره، دار الحرم للتراث، ۱۴۲۲ق.
۴۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۶. مدرسی سید محمد حقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۴۷. مراغی، احمدبن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۴۸. مسلم، مصطفی، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، امارات، جامعه شارقة، ۱۴۳۱ق.
۴۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۵۰. معرفت، محمّدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۵۲. مؤدب، رضا، اعجاز قرآن در نظر اهل بیت عصمت علیهم السلام و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، قم، احسن الحدیث، ۱۳۷۹ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]